



## درس خارج اصول استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: جانشینی امارات و اصول عملیه از قطع  
موضوع جزئی: کلام شیخ انصاری - اشکال محقق خراسانی به شیخ انصاری -  
نظر محقق خراسانی  
سال پانزدهم  
تاریخ: ۲۲ مهر ۱۴۰۲  
مصادف با: ۲۸ ربیع الاول ۱۴۴۵  
جلسه: ۹

### «الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهیرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

#### جانشینی امارات و اصول عملیه از قطع

بعد از بیان اقسام قطع بحث مهمی که مطرح است، جانشینی امارات و اصول عملیه از قطع است. تا اینجا احکامی را برای قطع و آثاری را برای آن بیان کردیم؛ معذرت، منجزیت، مومنتیت از عقاب، یکسری آثار دنیوی و اخروی برای قطع بیان شد.

حال سوال این است که آیا امارات و اصول عملیه که مفید یقین نیستند، جانشین قطع می‌شوند یا خیر؟

همانطوری که قطع و یقین گاهی به موضوعات خارجی متعلق می‌شود مثلاً انسان یقین پیدا می‌کند که این مایع خمر است، ممکن است اماره‌ای قائم شود بر خمریت یک مایع، بینه قائم شود، دو شاهد عادل بگویند این مایع خمر است. یا مثلاً از طریق استصحاب خمریت را ثابت کنیم، امارات همچنین می‌توانند بر یک حکم شرعی قائم شوند، خبر واحدی دلالت بر یک حکم شرعی کنند، اصل عملی دلالت بر یک حکم شرعی بکند.

حال اگر برای مکلف یقین حاصل نشد و قطع پیدا نکرد بلکه اماره‌ای معتبر یا یک اصل عملی قائم شد بر موضوع خارجی یا حکم شرعی، آیا اینها نیز حکم قطع را دارند؟ آیا اینها جانشین قطع محسوب می‌شوند؟ آیا نازل منزله قطع هستند؟ یعنی همان آثاری که بر قطع مترتب بود بر امارات و اصول عملیه نیز مترتب می‌شود یا خیر؟

اینجا محقق خراسانی در کفایه یک بحثی را مطرح کردند در رابطه با جانشینی امارات و اصول عملیه از قطع و ضمن آن به کلام شیخ انصاری نیز پاسخ دادند. ما ابتدا حرف شیخ انصاری را طرح می‌کنیم و بعد اجمال سخن محقق خراسانی را در کفایه بیان می‌کنیم و بعد مقتضای تحقیق را در مسئله و برخی از آراء و انظار را متعرض خواهیم شد.

#### کلام شیخ انصاری

ایشان به طور کلی معتقد است، همانگونه که قطع اعتبار دارد و حجت است، امارات و اصول عملیه نیز جانشین قطع می‌شوند، یعنی از دید شارع امارات و اصول عملیه مثل قطع هستند، در قطع هیچ احتمال اختلافی راه ندارد، قطع وجدانی و یقین وجدانی اساساً احتمال خلاف در آن راه ندارد.

اما در اماره احتمال خلاف راه دارد، وقتی ظن به یک موضوع خارجی پیدا می‌کنید یا اماره‌ای بر یک موضوع خارجی یا حکم شرعی قائم می‌شود، این یک احتمال خلافی در آن وجود دارد. مثلاً تا به حال با قطع انسان صد در صد به موضوع یا حکمی یقین داشت ولی اکنون هفتاد یا هشتاد درصد ظن دارد و درصد یا بیست درصد احتمال خلاف می‌دهد. این احتمال خلاف از سوی شارع الغاء شده، گفتند این را نادیده بگیرید. یعنی کانه وقتی شارع می‌فرماید خبر واحد حجت است، معنای حجت خبر واحد این است

که ظنی که از این طریق به دست می‌آید مثل قطع است. به این معنا که اگر شما با یقین به واقع راه پیدا می‌کردید و هیچ احتمال خلافی نمی‌دادید الان نیز که هشتاد درصد احتمال راجح به این موضوع برای شما شکل گرفته یا به این حکم، و درصدی احتمال خلاف می‌دهید این احتمال چند درصدی خلاف را نادیده بگیرید و البته این تعبدی است. یعنی گویا شارع اینچنین فرموده «الظن الحاصل من خبر الواحد كالقطع» یعنی ظن حاصل از خبر واحد و بینه و امثال آن نازل منزله قطع است.

این در تمام آثار و انواع مثل قطع است، یعنی هم در قطع طریقی و هم در قطع موضوعی. آیا قطع طریقی اعتبار داشت یا خیر؟ آیا قطع موضوعی اعتبار داشت یا خیر؟ بله، حجیت دارند، معتبرند، همانگونه که قطع طریقی و موضوعی معتبر است امارات و اصول عملیه اعتبار دارند، همانگونه که آنها حجت هستند اینها نیز حجت هستند و در این جهت فرقی بین قطع طریقی و موضوعی نیست، یعنی امارات و اصول عملیه هم جانشین قطع طریقی هستند و هم جانشین قطع موضوعی، هیچ فرقی بین اینها نیست. آنها اعتبارشان ذاتی و تکوینی است و پای تعبد در کار نیست اما ظن و اماره حجیتش تعبدی است، بتعبد من الشارع این چند درصد احتمال خلاف کنار گذاشته می‌شود و قبول می‌شود.

پس ایشان قائل هستند که امارات و اصول عملیه جانشین قطع موضوعی و طریقی می‌شوند.<sup>۱</sup>

سوال:

استاد: ایشان به صورت کلی گفته است. خیر؛ حال این را بعد توضیح می‌دهیم، آنچه که محقق خراسانی در کفایه از شیخ انصاری فرموده است این است «امارات و اصول عملیه به منزله قطع هستند من جهة كونه موضوعا و من جهة كونه طريقا، فيقوم مقامه طريقا كان او موضوعا» موضوعا را نیز مطلق گفتند. بله ممکن است به جهت وضوح مسئله قطع موضوعی صفتی و اینکه امارات نسبت به آن نمی‌توانند جانشین شوند، دیگر آن را مطرح نکرده است، و منظورشان موضوعی طریقی است.

### اشکال محقق خراسانی به شیخ انصاری

ایشان به شیخ انصاری اشکال کرده و می‌فرماید این فرمایش شیخ انصاری تمام نیست. زیرا چنانچه شارع بخواهد ظن حاصل از امارات (تعبیر اصول را ندارند، بیشتر در امارات می‌باشد) را نازل منزله قطع کند، از آنجا که ما دو نوع قطع داریم: قطع طریقی و قطع موضوعی، شارع نمی‌تواند با یک تنزیل امارات را هم جانشین قطع طریقی کند و هم جانشین قطع موضوعی زیرا این دو کاملا با هم متفاوت می‌باشند.

در قطع طریقی، یقین و قطع صرفا طریق است یعنی موضوعیت ندارد، استقلال ندارد بلکه ابزار و آلت برای رسیدن به واقع است. این قطع طریقی است، قطع طریقی یعنی قطعی که طریق به سوی واقع است. اگر شارع اماره را جانشین قطع طریقی کند یعنی این نازل منزله آن شده است. اگر این بخواهد نازل منزله قطع طریقی شود معنایش این است که خبر واحد نیز مثل قطع طریقی، طریق به سوی واقع است، صرفا ابزار است، این خبر مدعی است که ما را به واقع می‌رساند و کسی به این خبر استقلالا نظر ندارد. به تعبیر دیگر مثل آینه است که عکس و تصویر واقعیت را نشان می‌دهد، شما که به آینه نگاه می‌کنید به آینه کاری ندارید، بیشتر خودتان را در آینه می‌بینید، معنای طریقی نیز این است یعنی خودش منظور نیست. اگر هم به آینه نگاه می‌شود تبعا است نه استقلالا. پس

<sup>۱</sup> رسائل (چاپ قدیم)، ص ۴.

اگر اماره بخواهد جانشین قطع طریقی شود و نازل منزله آن قرار بگیرد این لازمه اش این است که اماره صرفاً طریقی باشد و نگاه استقلالی به آن نشود و تنها از این جهت مورد نظر قرار بگیرد که واقع را به ما نشان دهد یعنی یک لحاظ آلی، ابزاری. اما اگر شارع بخواهد اماره را نازل منزله قطع موضوعی کند، معنای قطع موضوعی این است که خود قطع موضوعیت دارد، موضوعیت داشتن قطع یعنی نگاه به قطع یک نگاه استقلالی است و دیگر مثل آئینه به آن نگاه نمی‌شود و خودش موضوعیت دارد. حال اگر اماره بخواهد جانشین قطع موضوعی شود لازمه اش این است که همانگونه که اماره موضوعیت داشت این نیز موضوعیت داشته باشد. به خبر و بینه نیز استقلالا توجه شود نه مثل آئینه، اینجا خود اماره موضوعیت دارد. اعم از اینکه جزء الموضوع باشد یا تمام الموضوع.

حال آیا شارع می‌تواند در تنزیل واحد دو نوع تنزیل داشته باشد؟ هم تنزیل به گونه‌ای که استقلالا لحاظ شود و هم به گونه‌ای که ابزاری و آلی لحاظ شود. شارع می‌تواند بگوید «الظن الحاصل من خبر الواحد كالقطع» یا بگوید «نزلت خبر الواحد منزلة القطع»، ایها الناس شما که همه می‌دانید قطع چیست؟ همه می‌دانید چه آثاری دارد، معتبر و حجت است، من شارع برای شما ظن حاصل از خبر واحد یا بینه را مثل قطع قرار دادم. از دید من خبر واحد نیز مثل قطع است. این تنزیل نسبت به قطع اگر بخواهد تنزیل منزله قطع طریقی باشد یک اقتضایی دارد اگر بخواهد تنزیل منزله قطع موضوعی باشد اقتضای دیگری دارد.

یکی اقتضا می‌کند تنزیل به نحوی باشد که خبر واحد در آن به نحو استقلالی لحاظ شود و دیگری اقتضاء می‌کند که تنزیل به گونه‌ای باشد که خبر واحد در آن به نحو آلی و ابزاری لحاظ شود. این دو با هم نمی‌شود؛ شارع نمی‌تواند بگوید ایها الناس به خبر واحد کاری نداشته باشید بلکه به مودای آن کار داشته باشید، به اینکه شما را به چیزی راهنمایی می‌کند نگاه کنید، خبر واحد را آئینه ببینید، معنای تنزیل نوع اول این است که ایها الناس خبر واحد برای شما حکم آئینه را دارد و در عین حال تنزیل می‌کند منزله قطع موضوعی دارد می‌گوید ایها الناس بدانید که خبر واحد حکم آئینه را ندارد، به آن نگاه استقلالی داشته باشید، خودش موضوعیت دارد، این ظن حاصل از خبر واحد موضوعیت دارد و این دو با هم قابل جمع نیست.

بله، اگر شارع بیاورد طوری برای ما بیان کند و بگوید «الظن الحاصل من خبر واحد ينزل منزلة قطع بأی لحاظ، آلی او استقلالی» یعنی شارع بگوید این مثل قطع است به هر نحوی، ولو اجمالاً این را بیان کرده باشد، ولی ما اصلاً چنین دلیلی نداریم. نتیجه: ما با شیخ انصاری نمی‌توانیم موافقت کنیم که امارات جانشین قطع موضوعی و طریقی می‌شوند. این پاسخ محقق خراسانی به شیخ انصاری است.

#### **نظر محقق خراسانی**

سپس محقق خراسانی می‌فرماید: امارات جانشین قطع طریقی می‌شوند و این را قبول داریم. می‌فرمایند: در اینکه امارات و اصول عملیه جانشین قطع طریقی می‌شوند تردیدی نیست؛ فرقی هم نمی‌کند که این نسبت به موضوعات خارجی باشد یا احکام شرعی باشد. اما جانشینی امارات نسبت به قطع موضوعی محل اشکال است. سپس می‌فرمایند: قطع صفتی که روشن است که نمی‌شود ولی قطع موضوعی هیچکدام نمی‌تواند امارات نازل منزله آنها شود.

پس محقق خراسانی تفصیل می‌دهند بین قطع موضوعی و قطع طریقی و ادعا می‌کند که امارات جانشین قطع طریقی می‌شوند، ولی جانشین قطع موضوعی نمی‌شوند.

در رابطه با استصحاب ایشان می‌فرماید: (استصحاب در اماره بودن یا اصل بودنش اختلاف است) استصحاب جانشین قطع موضوعی نمی‌شود، ولی تصریح نمی‌کنند که جانشین قطع طریقی می‌شود، می‌گویند استصحاب جانشین قطع موضوعی نمی‌شود ولی از دلیلی که ایشان اقامه می‌کند بر می‌آید که استصحاب مثل امارت است یعنی جانشین قطع طریقی می‌شود این را نیز ملحق می‌کند به امارات.

ولی در مورد سایر اصول عملیه، (برائت، احتیاط و اشتغال) اینجا می‌گویند: اینها جانشین قطع موضوعی و جانشین قطع طریقی نمی‌شوند و فرق آنها با امارات و استصحاب در همین است. این محصل فرمایش محقق خراسانی است. ما اینجا باید ببینیم فرمایش محقق خراسانی صحیح است یا خیر؟ تا کنون دو نظر بیان شده است، یکی شیخ انصاری و یکی محقق خراسانی. اینجا شاگردان محقق خراسانی به ایشان اشکال کرده‌اند.

«والحمد لله رب العالمین»